

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

ادامه بررسی نظریه‌ی صاحب جواهر(ره) پیرامون وحدت تعابیر وارده در حد مسافت شرعی؛

بحث در فرمایش صاحب جواهر(ره) بود، ایشان معتقدند که از مجموع روایات استفاده می‌شود که شارع برای عنوان مسیره یوم یک معنای شرعی عنده و عند الشارع معین کرده، فرمودند این مسیره یوم و ثمانیه فراسخ که قبلاً هم عرض شد عمده‌ی بحث در این است که این دو تا را باید چکار کنیم و الا یوم و ليله و بقیه‌ی موارد جوابش خیلی روشن است که می‌رسیم، اما آیا اینها دو تا ضابطه است؟ یکی مسیره یوم، یکی ثمانیه فراسخ یا اینکه اینها دو تا ضابطه نیست که احتمالات را توضیح دادیم.

صاحب جواهر(ره) فرمود اینها در نزد شارع یکی است، به این معنا که اگر کسی صبح حرکت کرد تا ظهر هشت فرسخ را آمد ولو در نزد عرف این مسیره یوم تامه نیست اما شارع می‌گوید من این را مسیره یوم می‌دانم، اگر کسی از صبح تا غروب راه آمد آهسته آهسته، عرف می‌گوید این مسیره یوم هست اما اگر هشت فرسخ نشد صاحب جواهر(ره) می‌فرماید شارع این را مسیره یوم نمی‌داند. مسیره یوم در نزد شارع در جایی است که هشت فرسخ محقق شود ولو به حسب مفهوم عرفی مسیره یوم صدق نکند هر جا هشت فرسخ محقق شد این مسیره یوم است.

ادامه تبیین دلائل نظریه‌ی عینیت از منظر صاحب جواهر(ره)؛

بحث در این استدلالات صاحب جواهر(ره) بود، صاحب جواهر(ره) سه تا دلیل دیگر در کلماتش آورده که اینها را باید خوب دقت کنیم و بعد ببینیم که اینها آیا قابل مناقشه هست یا خیر؟

دلیل اول:

صریح شش روایت؛

صاحب جواهر(ره) که تمسک به چند روایت بود را ذکر کردیم و عرض کردیم خود صاحب جواهر(ره) تمسک به این روایات را توضیح نمی‌دهد و نیاز دارد به همان بیانی که ما اشاره کردیم.

دلیل دوم:

اشاره برخی روایات بر تحقق مسافت با قصد چهار فرسخ؛

ایشان می‌فرمایند «بل» یعنی غیر از این روایات، می‌فرماید «بل قد یأمری إلیه النصوص الكثيرة الدالة على تحقق المسافة بقصد برید»، می‌فرماید ما یک روایاتی داریم که دلالت بر این دارد که اگر کسی قصد برید کرد، برید یعنی چهار فرسخ، اینجا مسافت شرعیّه محقق می‌شود. «معلّله» در این روایات یک تعلیلی آمده، تعلیل این است که می‌فرماید این آدم چون اراده‌ی رجوع دارد یک روزش را اشغال کرده. «معلّله بأنه يتم له شغل یومه بإرادته الرجوع»، این آدم چون می‌خواهد به چهار فرسخ برود و برگردد، اراده‌ی رجوع دارد «شغل یوم»، یعنی به اندازه‌ی یک روز کار کرده، به اندازه‌ی یک روز سیر کرده، «فیكون بریداً ذاهباً و جائیة، حتّی علی ما فهمه الاصحاح منها من ارادة الرجوع لیومه»، یک بحثی داریم که ان شاء الله خواهیم گفت آیا هشت فرسخ در صورتی سبب قصر نماز است که انسان همان روز بخواند برگردد، اما اگر کسی هشت فرسخ رفت و شب را در یک جا بیتوته کرد، بعضی از فقها می‌گویند اینجا نماز قصر نمی‌شود، قول نادری است. می‌فرماید حتّی روی آن مبنا که اراده‌ی رجوع شرطیت دارد. بعد می‌فرمایند: «ضرورة عدم صدق شغل الیوم حقیقةً بالسفر إذا تخلّل بین الذهاب و الإیاب جلوسٌ لقضاء الحاجة فلا بدّ من إرادة مقدار ذلک فهو البریدان». بعد یک فتأمل هم دارند. ایشان می‌فرمایند این روایاتی که می‌گوید اگر کسی چهار فرسخ رفت و چهار فرسخ می‌خواهد برگردد، این روایات کاشف از این است که شارع برای مسیره یوم یک معنای شرعی خاصی در نظر گرفته می‌گوید مسیره یوم همان هشت فرسخ است ولو به این نحو که چهار فرسخ برود و چهار فرسخ بیاید، همین اندازه، این هم دلیل دوم ایشان.

دلیل سوم:

اجماع منقول و محصل، دال بر وقوع تقصیر در هشت فرسخ ولو در برخی از روز؛ می‌فرماید «علی أنّ الإجماع بقسمیه محققٌ علی التقصیر فی قطع البریدین و إن کان فی بعض الیوم»، اجماع داریم، هم اجماع محصل و هم منقول، بر اینکه اگر کسی هشت فرسخ رفت نمازش قصر می‌شود ولو فی بعض الیوم باشد.

دلیل چهارم:

شاید نظر فقها از مسافت، مسیره یوم، بریدین و یا هشت فرسخ شرعی باشد؛ اساساً می‌فرماید این معنایی که ما می‌گوئیم ولو فقها به آن تصریح نکردند اما لعلّ مراد فقها و اصحاب هم همین باشد «بل لعلّه هو مراد الأصحاب کالمصنف (صاحب شرایع) و غیره ممن عبّر بعبارته عن المسافة» همه‌ی فقهایی که وقتی می‌خواهند بگویند مسافت، گفتند «هی مسیر یوم، بریدین، ثمانیة فراسخ». آنهایی که این سه را کنار هم گذاشتند گفتند مسافت در جایی است که مسیره یوم باشد، بریدین باشد، ثمانیة فراسخ باشد، اینها همین معنا را می‌خواهند اراده کنند که مراد از مسیره یوم، مسیره یوم عرفی نیست بلکه همین مسیره یوم شرعی است که شارع می‌گوید اگر کسی هشت فرسخ رفت من همین را مسیره یوم می‌دانم ولو در یک ساعت باشد. طبق بیان صاحب جواهر(ره) الآن اگر کسی با یک جت یک ساعت به اندازه‌ی ده هزار کیلومتر برود، حالا با هواپیما که یک ساعت هزار کیلومتر را می‌رود، کسی از تهران تا مشهد یک ساعت می‌رود، الآن ساعت هفت صبح می‌رود و هشت صبح آنجاست، چون هشت فرسخ طی شده صاحب جواهر(ره) می‌گوید همین می‌شود مسیره یوم، چون مسیره یوم یک مسیره یوم عند الشارع است و شارع می‌گوید اگر کسی هشت فرسخ را طی کرد من می‌گویم این مسیره یوم انجام شده ولو عند العرف چنین نباشد، این خلاصه‌ی فرمایش صاحب جواهر(ره) بود.

ایراد چند مناقشه بر دلائل صاحب جواهر(ره) از منظر مختار:

به نظر ما بر این فرمایش صاحب جواهر مناقشاتی وارد است، که عبارتند از:

از دلیل اول صاحب جواهر(ره) شروع کنیم؛ تمسّکی که صاحب جواهر(ره) به روایات کردند، دو اشکال بر نظر ایشان وجود دارد که عبارتند از:

اشکال اول بر نظریه‌ی صاحب جواهر(ره) از منظر مختار؛

مناقشه بر موثقه سماعه: نظر صاحب جواهر(ره) با روایات دال بر مسیره یوم در باب حج سازگار نیست؛ فرمود موثقه‌ی سماعه. در موثقه سماعه تعبیر این است «فی مسیره یوم و ذلک بریدان و هما ثمانیه فراسخ» آیا این «و هما ثمانیه فراسخ» می‌خواهد برای بریدان معنای شرعی کند؟ نه، این روشن است. به چه قرینه‌ای شما می‌فرمایید شارع می‌گوید من ثمانیه فراسخ را مسیره یوم شرعی می‌دانم ولو مسیره یوم عرفی نباشد، این الفاظ که در روایات آمده مخصوصاً اگر یک الفاظی باشد که در نزد عرف هم رایج است. ما کلمه‌ی مسیره یوم در باب حج هم داریم، در بعضی از روایات داریم که اگر کسی بخواند مسیره یوم برود باید یک محرمی همراه او باشد، آنجا مسیره یوم که می‌گوئیم یک محرمی باید همراه او باشد مرادش چیست؟ روایت چنین است که «لا یحلّ لإمرأة تؤمن بالله و الیوم الآخر أن تسافر مسیره یوم إلا و معها ذو محرم» برای هیچ زنی که ایمان به خدا و روز قیامت دارد نمی‌تواند یک مسیره یوم برود «الا و معها ذو محرم»، به همین روایت تمسک می‌کنند در باب حج که اگر بخواند مستطیع باشد باید یک محرمی همراهش باشد چون سفر حج سفری است که چند روز بلکه بیش از یک ماه طول می‌کشد. سؤال این است که این مسیره یوم در اینجا به چه معناست؟ یعنی یک زنی که از اول طلوع فجر تا غروب بخواند بیرون باشد، این نیاز دارد به اینکه یک محرمی همراهش باشد و گرنه زنی که بخواند یک ساعت مسافت هزار کیلومتری را با هواپیما برود را عرف نمی‌گوید مسیره یوم رفته. آیا صاحب جواهر(ره) می‌خواهد بفرماید آنجا مسیره یوم در معنای عرفی‌اش استعمال شده، اینجا شارع می‌خواهد بفرماید ما از مسیره یوم در حدّ قصر اراده می‌کنیم ثمانیه فراسخ، قرینه‌ای بر این معنا نداریم، این روایت سماعه دلالت ندارد.

روایات دیگر هم که ایشان استدلال کرده این حسنه‌ی فضل بن شاذان است یا آن روایتی که در علل بود که تصریح دارد به اینکه «لأنّ ثمانیه فراسخ هو سیر الجمال (شتردارها) و القوافل و هو الغالب علی المسیر و هو أعظم السیر الذی یسیره الجمالون و المکاریون»، اصلاً اینها نه تنها از آن استفاده نمی‌شود که مسیره یوم در نزد شارع معنای شرعی ندارد بلکه تصریح به این است که همان معنای عرفی که قوافل و مکاریون دارند شارع اراده می‌کند، یک معنای شرعی اراده نکرده، این اولاً.

پس این روایاتی که عمده‌ی دلیل صاحب جواهر(ره) است و مدّعی شریف‌شان این است که این روایات دلالت دارد، ولی به نظر مختار این روایات به هیچ وجهی دلالت ندارد و عجیب این است که چطور ایشان فرموده است صریح این روایات، نه تنها ظهوری ندارد، اصلاً اشعاری به این معنا هم به نظر ما ندارد، این اولاً.

اشکال دوم بر نظریه صاحب جواهر(ره):

می‌گویند شارع یک ملاحظه‌ای کرده دیده غالباً در سیر متعارف معتدل السیر این است که از صبح تا غروب هشت فرسخ می‌روند، سیر با بقر ملاک نیست، سیر با فرس هم ملاک نیست، چون غالب سیرها با شتر بوده، ولی این حکمت است و حکمت که شد بعداً خواهیم گفت بعضی از افرادی که خواستند نظر بدهند، الآن هستند و نادر هستند، می‌گویند اگر کسی از صبح تا غروب حرکت کرد آن هم با وسائل متعارف زمان خود ما، بعضی‌ها می‌گویند اگر کسی از اول طلوع فجر یا از اول شمس با ماشین حرکت کرد تا مغرب این می‌تواند نماز را قصر کند، چون وسیله‌ی متعارف زمان ما ماشین است و روایات هم می‌گوید با وسیله‌ی متعارف مسیره یوم باید باشد لذا باید از صبح تا غروب با ماشین حرکت کند، این ناشی از عدم دقّت در این روایات است، شارع متعال در این بحث نماز قصر چکار کرده؟ یک جهتی را، یک امر غالبی در زمان نزول آیه را نگاه کرده اما بعد آمده

یک ضابطه‌ی دائمی «الی يوم القيامة» قرار داده، ما حرفمان به اینهاست، شارع چرا آمد ثمانیة فراسخ را تصریح کرد به او، شارع می‌فرمود فقط مسیره یوم به وسیله‌ی متعارف در هر زمان. این عبارت «لأن ثمانیة فراسخ مسیره یوم للعامة و القوافل و الانتقال» یعنی شارع آمده این را به عنوان حکمت برای ملاک قرار داده، یعنی ملاحظه کرده دیده قوافل این چنین است و اما ضابطه را ثمانیة فراسخ قرار داده، نفرموده ملاک مسیره یوم للعامة، اگر می‌خواست این را بگوید چرا اسمی از ثمانیة فراسخ آورد، باید بگوید در هر زمان مسیره یوم فی کل زمان للقوافل با وسایل متعارف آن زمان.

حال شما وقتی می‌گوئید این دو تعبیر در نزد شارع متعال یکی است مسیره یوم، ثمانیة فراسخ است و ثمانیة فراسخ هم مسیره یوم است، شما چرا یک طرف قضیه را قبول می‌کنید می‌گوئید اگر کسی هشت فرسخ آمد اما مسیره یوم عرفی نشد، شما صاحب جواهر(ره) می‌گوئید این مسیر یوم شرعی هست، اشکال ما این است که چرا آن طرف قضیه را نمی‌فرمائید؟! اگر یک کسی مسیره یوم عرفی آمد و هشت فرسخ نشد، وقتی شما می‌گوئید اینها شرعاً یکی است، عین تصریح صاحب جواهر(ره) این است که «بناءً علی ما ذکرنا من أنَّهما شیء واحد عند الشارع»، یعنی ثمانیة فراسخ، مسیره یوم است و مسیره یوم هم ثمانیة فراسخ است، این طرف قضیه را هم بفرمایید، چرا آن کسی که از صبح تا غروب پیاده و آهسته راه آمده اما هشت فرسخ نیامده، بگوئید این هم هشت فرسخ عند الشارع آمده در حالی که مرحوم صاحب جواهر(ره) این را نمی‌گوید، این مبنا اقتضا دارد که ایشان چنین قولی را هم قائل شود، لذا این دو اشکال بر دلیل اول صاحب جواهر(ره) وارد است.

مناقشه بر دلیل دوم و سوم صاحب جواهر(ره) از منظر مختار؛

حالا اینکه آن نصوص را به عنوان دلیل دوم صاحب جواهر آورد، اجماع هم بر ثمانیة فراسخ دارد و هم بر مسیره یوم داریم بعداً یکی یکی اینها را جداگانه مورد بحث قرار می‌دهیم عمدتاً در اینجا این دو اشکال بر صاحب جواهر(ره) وارد است.

تبیین مجدد محل نزاع و بیان اقوال پیرامون آن؛

بحث این است که ما بالأخره اینجا چکار باید کنیم؟ دوباره نزاع را مطرح می‌کنند؛ و در اینجا چند قول مطرح است که عبارتند از:

قول اول از منظر صاحب جواهر(ره):

آیا بگوئیم این دو تعبیر شرعاً یکی است «كما علیه الجواهر»

قول دوم:

یا بگوئیم اینها عند الشارع دو تا ضابطه است و هر دو مجموعاً باید باشد یعنی بگوئیم هم باید مسیره یوم باشد و هم ثمانیة فراسخ، این دو.

قول سوم از منظر صاحب مدارک(ره):

یا بگوئیم کل واحد منهما ملاک است یعنی احدهما، که صاحب مدارک(ره) قائل شده. غیر از صاحب جواهر(ره) من ندیدم

کسی مسئله معنای شرعی را بیان کرده باشد، همه می‌گویند مسیره یوم عرفی ملاک است، صاحب مدارک(ره) می‌گوید اگر کسی ثمانیه فراسخ آمد نمازش قصر است ولو مسیره یوم نشود، اگر کسی مسیره یوم آمد نمازش قصر است ولو ثمانیه فراسخ نباشد، این هم قول سوم در مسئله.

قول چهارم از منظر محقق بروجردی، حائری و اصفهانی(قده):

این است که یکی از این دو تعبیر شرط است و دیگری اماره است، کسانی مثل مرحوم آقای بروجردی(ره)، مثل مرحوم محقق حائری(ره) در کتاب «الصلاة»، مثل مرحوم آقا سید ابوالحسن اصفهانی(ره) در صلاة مسافرشان، اینها می‌گویند ما از روایات استفاده می‌کنیم ثمانیه فراسخ ملاک است، یعنی شارع یک ضابطه دارد و آن هشت فرسخ است، اما عند الجهل بمقدار یک کسی اینقدر راه آمده نمی‌داند چقدر است؟ پنج یا شش فرسخ؟ اگر دید مسیره یوم شده، صبح راه افتاده و الآن هم هوا تاریک شده، شارع مسیره یوم را اماره‌ی شرعی قرار داده برای هشت فرسخ، این هم یک قول و احتمال. این هم در فرضی است که یک کسی از صبح تا غروب راه آمده و نمی‌داند هشت فرسخ شده یا نه؟ از عبارت این سه بزرگوار که عرض کردم، این مقداری که من احصاء کردم، اگر در کلمات ببینید شاید عده‌ی دیگری هم قائل باشند.

قول پنجم از منظر محقق اصفهانی(ره):

مسیره یوم ملاک است و ثمانیه فراسخ اماره شرعی اوست؛ عکس قول چهارم است که این را دیدیم مرحوم محقق اصفهانی(ره) که حاشیه بر کفایه و مکاسب دارد، ایشان می‌فرماید ما از روایات استفاده می‌کنیم ملاک و شرط، مسیره یوم است اما هشت فرسخ اماره‌ی شرعی‌ی برای اوست، این هم قول پنجم.

قول ششم از منظر مشهور:

ملاک فقط ثمانیه فراسخ است؛ اما قول ششم که لعلّ ما بتوانیم به مشهور هم نسبت بدهیم این است که ملاک فقط ثمانیه فراسخ است، مسیره یوم اصلاً عنوان امارت شرعی هم ندارد که ظاهر فتاوا همین است، فتاویٰ قدما و متأخرین اکثرشان همین است الا این افرادی را که اسم بردیم.

حالا ببینید مناسب است اشاره‌ای کنیم به کلام مرحوم آقای بروجردی(ره) و کلام محقق حائری(ره) را هم بگوئیم، بعد کلام مرحوم محقق اصفهانی(ره) را برای جلسه‌ی بعد بگذاریم.

الف. بررسی تفصیلی نظریه محقق بروجردی(ره) در البدر الزاهر؛

مرحوم آیت الله بروجردی(ره) در کتاب «البدر الزاهر» که تقریرات درس ایشان است در صفحه‌ی 138 اول فرمایششان این است «الظاهر رجوع التهديدات الأربعة إلى أمر واحد» این چهار تعبیر یعنی «ثمانیه فراسخ، بریدان، اربع و عشرون ميلاً مسیره یوم»، یک معنا دارد. به روایت سماعه اشاره می‌کنند و بعد می‌فرمایند ما از روایات استفاده می‌کنیم ملاک هشت فرسخ است، اما مسیره یوم حکمت برای این جعل است، نه اینکه خودش ملاک و ضابطه باشد اما می‌رسند به روایت ابی‌ایوب و ابی‌بصیر، اینها باید در ذهن‌تان باشد که در روایاتی که کلمه‌ی «أو» دارد؛ ما دو تا روایت داشتیم یکی روایت ابی‌ایوب است که از امام صادق(علیه السلام) سؤال کرد در چه مقدار باید نماز را قصر کنیم؟ فرمود فی مسیره یوم أو بریدین، در روایت ابی‌بصیر داشت

فی بریدین أو بیاض یوم که بیاض را گفتیم همان مسیره یوم است. در ادامه محقق بروجردی(ره) به این دو روایتی که کلمه‌ی «أو» دارد می‌رسند و ابتدا کلام صاحب مدارک(ره) را می‌فرمایند که اینها ظهور دارد و هر یک از اینها، مستقلاً ملاک است، اما می‌گویند اگر کسی این ظهور را قبول نکند «و لا اقل من کون بیاض الیوم معتبراً بنحو الأمارية»، یعنی این بیاض یوم به عنوان اماره معتبر است، «بحیث یعتمد علیه مع الجهل بالفرسخ»، اگر یک کسی از صبح تا غروب راه آمده و نمی‌داند هشت فرسخ شده یا نه؟ این را باید اماره‌ی شرعیه قرار داد. البته راجع به این کلمه‌ی «أو» می‌فرمایند «و لقائل أن یقول» سه تا احتمال باز در کلام ایشان نسبت به کلمه‌ی «أو» مطرح می‌شود که عبارتند از:

احتمال اول:

«التريد فی الحديث من جهة أن المسافة الشرعية و إن كان أمراً واقعياً لكنّها ربما تستكشف بسبب سیر البرید كما فی الطرق العامة التي تمرّ بها البرد و ربما تستكشف بمسيرة القوافل كما فی الطرق الخاصة التي لا تمرّ بها البرد»، ما قبلاً راجع به این «أو» این احتمال را داده بودیم که بگوئیم این تردید به حسب اختلاف طرق است، آن طریقی که علامت بُرد و برید را دارد ملاکش بریدان است که طرق عامه است، طریقه‌های عمومی. آن طریقی که این علائم را ندارد، طرق خاصه از کوه‌ها و ... می‌خواهند عبور کنند ملاکش مسیره یوم است این را به عنوان احتمال ذکر کردند.

احتمال دوم:

بعد می‌فرمایند «و یحتمل أن یكون المراد ببياض الیوم شغل السفر لیومه فعلاً بناءً علی كونه ملاکاً مستقلاً فی ایجاب القصر فی قبال البریدین»، می‌فرماید بگوئیم این مسیره یوم برای کسی است که سفر بالفعل شغل برای اوست، «أن یكون المراد ببياض الیوم شغل السفر لیومه فعلاً» یعنی کسی که بالفعل سفر به عنوان شغل او برای یک روز هست، البته این ظاهر عبارتش است در نتیجه آنهایی که کارشان فقط سیر است، حالا بعداً یک بحثی داریم که «من كان شغله السفر»، مثلاً یک ایهامی ایشان می‌خواهند بگویند، مسیره یوم یعنی کسی که شغل دیگری ندارد و فقط سیر در راه شغلش است، برای چنین آدمی باید بگوئیم مسیره یوم، اما برای غیر این آدم کسی که کارهای دیگر دارد، بریدان.

احتمال سوم:

و احتمال دیگر هم در عبارت هست که بعد می‌فرمایند: «و یحتمل» که این تردید از راوی باشد یعنی «أو» را راوی آورده نه اینکه خود امام(علیه السلام) این «أو» را ذکر کرده باشد.

نقض و ابرام نظریه محقق بروجردی(ره) از منظر مختار؛

در اصل آن مطلبی که بگوئیم مسیره یوم، حکمت برای ثمانیه فراسخ است، ما با محقق بروجردی(ره) موافقیم، اما در اینکه بگوئیم مسیره یوم، برای ثمانیه فراسخ، اماره است، به نظر ما از هیچ یک از این روایات این مسئله که بگوئیم شارع خواسته مسیره یوم را اماره‌ی شرعی قرار بدهد برای ثمانیه فراسخ استفاده نمی‌شود.

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرين